

تربیت عبادی کودکان

حسن ملکی* / عباسعلی شاملی** / مهدی شکراللهی***

چکیده

تربیت عبادی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند، بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات، در این زمینه نقش دارند. تاکنون نظام آموزشی ما عملاً نتوانسته است این آمادگی را در دانش آموزان برای رفع این مشکل ایجاد کند. برای رفع این مشکل، ضروری است پیش از سن تکلیف، کودکان با اعمال و تکالیف عبادی، فلسفه و فواید اعمال عبادی متناسب با دوره کودکی آشنا شوند. والدین و مربیان به عنوان مسئولان اصلی تربیت، باید زمینه فراگیری و انجام برخی از مسائل دینی را برای کودکان فراهم نمایند. این مقاله، به بررسی ضرورت تربیت عبادی کودکان، ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی و مسئولیت والدین در این زمینه پرداخته است. کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت دینی، تربیت عبادی، کودکان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رمان جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای برنامه درسی
** استادیار جامعه المصطفی العالمية.
*** دانش پژوه کارشناسی ارشد علوم تربیتی

مقدمه

بر اساس آیات و روایات، فلسفه وجودی انسان رسیدن به سعادت و قرب الاهی است. بدین منظور، دین اسلام برنامه‌های جامع و کاملی در قالب تربیت دینی دربردارد. از جمله این برنامه‌ها، «عبادت و بندگی» است. عبادت یکی از نیازهای واقعی و اساسی است که ریشه در اعماق جان و فطرت بشر دارد و اسلام آن را به منزله یک برنامه جامع تربیتی برای پرورش و تکامل روح و روان انسان برنامه‌ریزی کرده است. تربیت دینی مفهومی عام است که شامل حوزه‌های مختلفی همچون تربیت عقلانی، سیاسی، اجتماعی، جنسی، عاطفی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی می‌باشد. تربیت دینی «عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر؛ به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند»^۱.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی علیهم‌السلام می‌باشد. داوودی تربیت عبادی را: «آموزش عبادات به متریان و متعهد کردن آنان به انجام آنها»^۲ می‌داند. به طور کلی، تربیت عبادی بُعدی از تربیت دینی است که متربی را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا، و آنان را با انگیزه راسخ، مکلف به انجام آن می‌کند.

بحث تربیت عبادی یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل علمی و آموزشی در جامعه دینی است، که توجه بسیاری از پدران و مادران دین‌مدار و مربیان متعهد و دل‌سوز را به خود جلب کرده است. از سوی دیگر، تربیت عبادی دنباله و مکمل تربیت اعتقادی است و تربیت اعتقادی بدون آن بار ارزشی ندارد؛ زیرا لازمه شناخت یک دین، عمل به آموزه‌های آن است.

حال این پرسش مطرح است که چه کنیم تا فرزندانمان مؤمن، متعهد و عامل به تعالیم دینی و تکالیف عبادی رشد کنند؟ برای پاسخ به این پرسش در این مقاله حول سه محور اساسی بحث می‌شود:

- الف) ضرورت تربیت عبادی کودکان در دوران خردسالی؛
- ب) ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی در حد درک کودکان؛
- ج) مسئولیت و محدوده زمانی والدین در تعلیم و تربیت مسائل دینی و عبادی کودکان.

ضرورت تربیت عبادی کودکان در دوران خردسالی

متخصصان تعلیم و تربیت در مورد نقطه شروع پرورش مذهبی و آموزش برنامه‌های معنوی و تعلیمات دینی، دو نظر بیان کرده‌اند:

گروهی معتقدند: «کودک تا به حد بلوغ و رشد نرسد، استعداد درک آموزش‌های دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد؛ گروه دیگری عقیده دارند که اطفال نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند و مریان می‌توانند مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند و آنان را وادار سازند که برنامه‌های آسان دین را انجام دهند تا با افکار و اعمال دینی نشو و نما یابند».^۳

اسلام در این باره دیدگاه‌های متقن و دقیقی ارائه کرده است. در تفکر اسلامی، انسان در مقام جانشین خدا، خلافت الاهی بر روی زمین به عهده‌دار است. برای کسب این مقام، باید از دوران خردسالی و چه بسا قبل از آن، اقدام‌های لازم را به عمل آورد، تا کودک آمادگی پذیرش تکالیف الاهی را در زمان بلوغ پیدا کند. بر اساس سنت و رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام، آموزش دینی و عبادی از هنگام تولد شروع می‌شود؛ زیرا تربیت در دوره کودکی پایه و اساس رشد و بالندگی معنوی در دوره‌های بعدی خواهد بود. دلایل روایی زیادی در تأیید نظریه دوم وجود دارد.

غزالی معتقد است: «تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می‌شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله به تدریج عرضه می‌شود و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد».^۴

بر اساس نظر شرع مقدس اسلام، کودکان تا به سن بلوغ نرسند، تکلیفی متوجه آنان نیست؛ اما هنگامی که به سن تکلیف می‌رسند و با مجموعه تکالیف شرعی مواجه می‌شوند، در صورت نداشتن آشنایی و آمادگی پیشین، پذیرش و انجام تکالیف دینی برای آنان دشوار می‌باشد و چه بسا رغبتی نسبت به اعمال عبادی از خود نشان ندهند. یکی از فلسفه‌های تعلیم تکالیف عبادی به کودکان در دوره خردسالی این است که کودکان بر اثر مداومت، انجام آن اعمال برای آنان ملکه شود، تا در زمان سن تکلیف، برای آنان دشوار نباشد. بی‌شک اگر کودکان در آغاز دوران کودکی و سال‌های نوجوانی از آموزه‌های دینی

بهره‌ای نبرند، قطعاً در جوانی و بزرگسالی با یک رکود معنوی و در نهایت خسارت روحی مواجه خواهند شد. امینی معتقد است:

درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می‌رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد... [و الا] انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار خواهد بود یا اصلاً زیر بارش نمی‌رود و اگر هم نمازخوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه‌ای ممکن است آن را ترک نماید؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود.^۵

البته باید بکوشیم حس و رغبت کودکان نسبت به تکالیف عبادی، به انگیزه و خواست درونی تبدیل شود و این علاقه از درون بجوشد، نه اینکه صرفاً در حد اطلاعات دینی باقی بماند. بنابراین، باید افزون بر بعد شناختی، با بهره‌گیری از بُعد عاطفی کودکان، از ابتدا تصویری زیبا از دین و تکالیف دینی برای آنان ترسیم کرد، تا شور و انگیزه گرایش و عمل به تکالیف و مناسک عبادی در کودکان درونی شود. برای تحقق این هدف، ضرورت دارد در دوره کودکی، آمادگی‌های لازم، برای انجام یک مجموعه از اعمال عبادی (نماز، روزه) را در آنان ایجاد کرد؛ این مطلب به خوبی از روایات فهمیده می‌شود. برای نمونه، در روایتی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «نماز را در هفت سالگی به فرزندانان تعلیم دهید».^۶ نظیر همین روایت از امام علی علیه السلام نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «از هفت سالگی فرزندانان را به نماز امر کنید».^۷

در این زمینه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ما اهل بیت، هنگامی که کودکانمان به پنج سالگی رسیدند دستور می‌دهیم نماز بخوانند؛ ولی شما از هفت سالگی آنان را به نماز خواندن امر کنید، و ما در هفت سالگی امر می‌کنیم به اندازه توانایی‌شان نصف روز و یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و دستور می‌دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند. این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما کودکان خود را در نه سالگی به اندازه توانایی‌شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند.^۸

از این روایات بر می‌آید که باید کودکان را در خردسالی به فراگیری و اقامه نماز و گرفتن روزه تمرین داد تا به تدریج برای آنان عادت و ملکه شود، و هنگام سن تکلیف، به خوبی آماده باشند. حتی با توجه به اینکه کودکان از تنبیه بدنی منع شده‌اند، اما در مورد

زمینه‌سازی و تحریک و وادار کردن آنان به نماز، گاهی ائمه علیهم‌السلام امر به تنبیه فرموده‌اند. فقیهان نیز معتقدند در تمرین دادن کودک به نماز، در صورت لزوم، به مقداری که دیه واجب نشود، می‌توان او را تنبیه کرد. از روایات بر می‌آید که اگر کودکان در خواندن نماز سستی کنند، می‌توان آنان را با رعایت موازین شرعی، تنبیه (از زبانی تا عملی) کرد. البته در روایات، از نظر زمان و سن بازخواست اختلاف وجود دارد. از این‌رو، نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که در چه سنی می‌توان آنان را با تنبیه به نماز واداشت. در تعدادی از روایات زمان بازخواست و تنبیه از شش یا هفت سالگی آمده است. برای مثال، پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند؛ وقتی هفت ساله شدند، (در صورت لزوم) می‌توانید آنها را بزنید».^۹

همسر امام خمینی علیه‌السلام نقل می‌کند که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می‌گفتند: «بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند».^{۱۰}

سادات معتقد است:

انجام تکالیف دینی را نباید تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت؛ بلکه باید اُنس و عادت لازم را پیشاپیش در آنها به وجود آورد تا در زمان بلوغ مشکلی از این نظر به وجود نیاید. خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای این منظور استفاده نمی‌کنند، در دوران بلوغ و نوجوانی معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دینی را تا مرحله نوجوانی یا جوانی و بزرگ‌سالی به تأخیر انداخته است، هر چند معتقد به موازین دینی باشد، به علت نبود ممارست عملی و آمادگی روحی، معمولاً نمی‌تواند به راحتی به احکام دینی عمل کند. اغلب کسانی که در سنین بالاتر وظایف عبادی خود را انجام نمی‌دهند، بی‌اعتقاد به مبانی دینی نیستند؛ بلکه آنها معمولاً کسانی هستند که قبلاً ورزشی و آمادگی لازم را به دست نیاورده‌اند.... بنابراین، استدلال کسانی که معتقدند طفل پس از رسیدن به حد تشخیص، خود باید مسیر خویش را انتخاب کند و نباید پیشاپیش عادت به برخی امور از جمله تکلیف دینی را در او بوجود آورد، به هیچ‌روی درست نیست. اگر این استدلال صحیح باشد، باید تربیت را تا رسیدن به سن تشخیص تعطیل کرد؛ حال آنکه تربیت به یک معنا چیزی جز ایجاد عادات در کودک نیست...^{۱۱}

نوشته‌اند: روزی «آندره مالرو» ادیب مشهور، درباره تعلیم و تربیت و اهمیت فوق‌العاده آن برای مردم سخنرانی مفصّلی ایراد کرد که سخت مورد توجه قرار گرفت. وقتی نطق او

پایان یافت، زنی از میان جمعیت پیش رفت و گفت: جناب مالرو! بنده از چه زمانی می‌توانم تعلیم و تربیت فرزندم را شروع کنم؟
مالرو، مؤدبانه پرسید: بچه شما کی متولد می‌شود، خانم؟
زن با شگفتی جواب داد: کی متولد می‌شود؟ عجب، کودک من الآن چهار سال دارد، آقا!
در این هنگام مالرو فریاد زد: چهار سال؟! ای داد و هزار افسوس! بانوی عزیز، شما هم‌اکنون بهترین سال‌های عمر آن طفل بیچاره را هدر داده‌اید!^{۱۲}
بنابراین، ضروری است تمهیدات لازم برای فراگیری و گرایش کودکان به انجام اعمال عبادی از سنین خردسالی فراهم شود، تا افزون بر ایجاد و تقویت روحیه دین‌داری و دین‌باوری، زمینه عمل به تکالیف عبادی نیز برای آنان فراهم شود.

آماده‌سازی در کودکان

یکی از اصول تربیتی در تربیت عبادی، اصل «زمینه‌سازی» و ایجاد آمادگی در کودکان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات است. این اصل افزون بر تأکید نسبت به عبادات، باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان نسبت به مسائل عبادی نیز می‌شود. بر اساس اصل «آماده‌سازی»، ضروری است پیش از آنکه احکام و اعمال عبادی در حق کودکان به مرحله وجوب برسد، زمینه رویارویی صحیح با احکام و اعمال عبادی را در آنان ایجاد کرد؛ زیرا این اقدام در رشد و کمال معنوی انسان تأثیر مستقیم دارد.

هدف از تربیت عبادی در دوره کودکی، پرورش و تقویت روحیه عبادی و ایجاد آمادگی برای «تکلیف‌پذیری» و تشویق کودکان به انجام تکالیف عبادی است. برای تحقق این هدف، می‌توان بر اساس برنامه‌ای منظم، بدان جامعه عمل پوشاند؛ زیرا اگر کودک یک‌دفعه و بدون آمادگی قبلی مکلف به تکالیفی شود، طبیعی است که از عهده آن برنمی‌آید و چه بسا میزان تکلیف‌پذیری او نیز پایین آید و یا تکالیف را بدون انگیزه و به صورت ناقص انجام می‌دهد. البته باید توجه داشت که برای ارائه هر مفهومی به کودک، ابتدا باید آمادگی از نظر شناختی و عاطفی در او ایجاد شود، تا در نهایت به رفتار عملی در کودک بینجامد. متأسفانه گاهی در مدارس، حتی در درس دینی، دانش‌آموز در همان سطح اولیه شناختی و عاطفی باقی می‌ماند؛ در حالی که تربیت دینی، به ویژه تربیت عبادی به

معنای واقعی، باید به صورت عملی در وجود متربی تحقق یابد تا انگیزه درونی به یادگیری و در نتیجه انجام دادن آن را داشته باشد. اولیاء و مربیان نباید یکباره کودکان را به انجام تکالیف دینی و عبادی ملزم و مجبور سازند؛ بلکه اول باید زمینه انجام برخی از مسائل دینی و عبادی را برای آنان فراهم آورند. از این رو، وقتی کودک به سن درک و تمییز می‌رسد، باید به تدریج از مسائل و تکالیف آسان و محسوس شروع، و به تدریج به سوی معقولات حرکت کرد.

برای زمینه‌سازی اعمال عبادی در کودکان، نخست باید تمهیداتی فراهم شود که در دین مقدس اسلام بدان پرداخته شده است. برای نمونه، مستحب است هنگام تولد در گوش نوزاد، نوای ملکوتی اذان و اقامه نواخته شود. فقیهی در بیان فلسفه آن می‌نویسد:

شاید این بدان علت باشد که این عمل آثار روانی و تربیتی بسیار مفیدی را در کودک به جای می‌گذارد، گرایش فطری کودک را به خدا و پرستش رشد می‌دهد و نخستین بذر نماز را در دل کودک می‌کارد. این عمل زمینه‌ساز شخصیت مطلوب او - در بزرگسالی - است.^{۱۳}

تقریباً همه فقیهان بر مسئله آماده‌سازی و تمرین کودکان در دوران کودکی نسبت به تکالیف عبادی تأکید کرده‌اند. فقیهان در کتاب‌های فقهی بابی با عنوان «احکام الصبی» به اعمال عبادی کودکان غیربالغ و وظایف والدین در این رابطه اختصاص داده‌اند، که از مجموع آنها این اصل مهم تربیتی استنباط می‌شود. در فقه آمده است پدر و جد پدری، شرعاً موظف به تمرین دادن کودکان به عبادت، اعم از واجب و مستحب و همچنین قضای آن می‌باشند.^{۱۴} حتی آنان موظف به بیدار کردن کودکان از خواب برای نماز هستند؛ مگر آنکه به دلیل بیماری یا عذر دیگری، باعث آزار و اذیت او شود، که در این صورت باید مراعات حال کودک کرد.^{۱۵}

فلسفی می‌نویسد:

برای اینکه کودکان از اول مؤمن و خداپرست تربیت شوند، لازم است جسم و جان آنها نیز از نظر ایمان هماهنگی برقرار باشد. به همین جهت، اسلام از طرفی پدران و مادران را مکلف نموده است که فرزندان را به خدا متوجه کنند و به آنان خداپرستی و تعالیم دینی را بیاموزند، و از طرف دیگر دستور داده است اطفال را به نماز و عبادات تمرینی وادارند.^{۱۶}

برای تحقق این هدف شهید مطهری معتقد است:

بچه‌ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت‌سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی‌تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت‌سالگی می‌تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند.^{۱۷}

بنابراین، می‌توان گفت فلسفه آموزش و تمرین عبادات به کودکان در دوره کودکی این است که آنان آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و عبادی را برای زمان بلوغ پیدا کنند. بناری در این زمینه معتقد است:

ورود کودکان به مرحله جدیدی که به یک‌باره کلیه احکام الزامی اعم از واجبات و محرمات درباره آنان حتمیت می‌یابد، مستلزم برخی مشقت‌ها و سختی‌ها نسبت به آنان است و همین امر چه بسا سبب تکلیف‌گریزی و سهل‌انگاری آنان نسبت به احکام شرعی گردد. از این رو، برای پیش‌گیری از این وضعیت، در فقه احکامی برای کودکان وضع شده است و بدون آنکه الزام و اجباری بر کودکان باشد، آنان به انجام این احکام تشویق می‌شوند، تا نوعی تمرین و آماده‌سازی برای آنان به حساب آید و در پرتو این تمرین با تکلیف آشنا شده و به تدریج به انجام آنها عادت نمایند و هنگام بلوغ به آسانی به احکام الزامی تن دهند و به وظایف شرعی خود عمل کنند.^{۱۸}

در حقیقت، انجام عبادات در کودکی یک نوع زمینه‌سازی است و موجب ملکه شدن آن اعمال در روح و جان کودک می‌شود. و در نتیجه، چنین کودکانی بعد از سن تکلیف، عبادات را با آمادگی و سهولت بیشتری انجام می‌دهند؛ اما کسانی که تا هنگام رسیدن به تکلیف شرعی، با مسائل عبادی آشنایی نداشته و یا عبادتی را به جا نیاورده‌اند، این اعمال را با دشواری بیشتری انجام می‌دهند. امینی می‌نویسد:

با این برنامه [والدین] می‌توانند فرزندان خویش را به نماز خواندن عادت دهند؛ به طوری که وقتی به سن بلوغ رسیدند، خودبه‌خود و بدون فشار نماز را بخوانند و از انجام آن لذت برند؛ اما اگر پدر و مادر به بهانه اینکه هنوز به حد تکلیف نرسیده به نماز خواندن او اعتنا نداشته باشند و تا سن بلوغ آن را عقب بیندازند، انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار خواهد بود یا اصلاً زیر بارش نمی‌رود و اگر هم نمازخوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه‌ای ممکن است آن را ترک نماید؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود. بدین جهت پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام به طور اکید دستور می‌دهند که کودکان را از شش یا هفت‌سالگی به نماز خواندن عادت بدهید.^{۱۹}

معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام پرسید: در چه سنی کودک به اعمال عبادی وادار می‌شود؟ حضرت فرمودند: «بین شش و هفت سالگی».^{۲۰}

پس اگر بخواهیم کودکان با عبادات خو بگیرند و بدان عادت کنند، باید دوره کودکی را مغتنم شمرده، آنان را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا کرد. در روایتی از امام باقر علیه السلام بیان شد که فرمودند باید آموزش دینی را از سه سالگی شروع کرد. عبدالله بن فضاله می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ در این هنگام به او آموزش دهید که هفت بار «محمد رسول الله» بگوید. سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید؛ آن‌گاه از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید؛ در این وقت اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او آموزش دهید. سپس رهایش کنید تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید صورت و دست خود را بشوید (آمادگی برای وضو). سپس به او بگویید نماز بخواند؛ آن‌گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود، وقتی تمام شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و بر (ترک) آن تنبیه گردد و او را به نماز وادارید و بر (ترک) آن تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می‌آمرد؛ ان شاء الله!^{۲۱}

در مورد روزه نیز امام علیه السلام برای تشویق، جذب و عادت کودکان به روزه، دستور می‌داد تا کودکان به اندازه توانایی‌شان روزه بگیرند و هر گاه تشنه یا گرسنه شدند، روزه را افطار نمایند. در حقیقت، این یک نوع زمینه‌سازی و آماده کردن کودکان برای گرفتن روزه کامل در زمان بلوغ است، تا کم‌کم به این عمل عبادی عادت کنند. علامه حلی در فلسفه روزه گرفتن کودک می‌گوید:

روزه یک نوع تمرین است و سبب می‌شود کودک پس از بلوغ، انگیزه بیشتری به انجام آن داشته باشد و نیز باعث می‌شود نفس انسان ملکه پذیرش انجام واجبات را پیدا کند و از اخلاق ناپسند دور باشد... [و یا می‌فرماید:] ما معتقدیم روزه کودک یک نوع تمرین بر عبادت است. لذا روزه بر کودک ۷ ساله در صورتی که توان و طاقت آن را داشته باشد، مستحب است، تا در زمان بلوغ به انجام آن دعوت شود.^{۲۲}

از مجموع روایات بر می‌آید که باید از همان کودکی، آمادگی و زمینه‌های لازم در زمینه آموزش و تربیت عبادی را در کودکان به وجود آورد، تا آمادگی لازم برای مراحل بالاتر

آموزش عبادی در آنان ایجاد شود. برای آماده کردن و زمینه‌سازی اعمال عبادی در کودکان، می‌توان اقداماتی را در نظر گرفت. در این قسمت، مواردی که مربوط به دوران کودکی است، بیان می‌شود:

توجه دادن متربی به نعمت‌های الهی

یادآوری و ذکر نعمت‌های الهی از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک کودک به صاحب نعمت و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است. ذکر نعمت‌ها می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و تعمیق بینش الهی کودکان و در نتیجه، گرایش به صاحب نعمت و زمینه‌های شکرگزاری را در آنان فراهم سازد.

در آیات^{۳۳} و روایات زیادی به این روش توجه داه شده است. چنان‌که خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. عرض نمود چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد.»^{۲۴}

بنابراین، باید کاری کنیم که محبت خدا در دل کودک جای بگیرد. در این صورت، او با عشق درونی به احکام و تکالیف الهی عمل می‌کند. برای رسیدن به این هدف، ضروری است از نعمت‌ها، مهربانیت، بخشندگی و توجه خاص خداوند به بندگانش سخن بگوییم و او را بهترین دوست انسان‌ها معرفی کنیم. همچنین باید محبت خداوند به کودکان را نیز برای آنان بیان کنیم.

نقل داستان‌های جذاب درباره عبادات به ویژه نماز

یکی از روش‌های مفید در آموزش معارف دینی، استفاده از داستان و مثال است. علاقه زیادی که کودکان به داستان دارند، موجب می‌شود تا بتوان بخش عمده معارف دینی، به ویژه احکام، اعمال و شرایط عبادی را از این رهگذر در اختیار آنان قرار داد.

یکی از وسایل آموزشی که قرآن نیز به کار گرفته است، داستان و بیان سرگذشت گذشتگان است. قرآن کریم بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان مطرح کرده است. در تربیت عبادی نیز برای مأنوس کردن کودکان و نوجوانان به مفاهیم و تکالیف عبادی، بهتر است از داستان‌ها و قصه‌هایی که در مورد عبادات و اهمیت آن است، استفاده کرد. تأثیر این نوع آموزش افزون بر سادگی آن و انتقال سریع‌تر محتوا، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزان آسان‌تر می‌سازد.

ارتباط کودکان با اماکن مذهبی

حضور کودکان در اماکن و برنامه‌های مذهبی، به‌ویژه نماز جماعت، مخصوصاً اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. شهید مطهری با توجه به نقش مسجد در تشویق کودکان به عبادت معتقد است:

بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند، بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مسجد و معابد و مجالس دینی و اینکه بچه‌ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند... ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم، در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت ساله شده‌اند به دبستان رفته‌اند و به دبیرستان و بعد به دانشگاه، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند! خوب، اینها قهراً از مساجد فراری می‌شوند.^{۲۵}

باهنر بر این باور است که:

هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت‌های او در [این] محیط‌ها بیشتر باشد، به نگرش‌های دینی والاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه‌مندی کودک به این محیط‌های مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط‌ها رابطه مستقیمی دارد.^{۲۶}

البته برای موفقیت در این کار لازم است برای کودکان، در کنار عبادت و نماز برنامه‌های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می‌کند. از امام حسن علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جای‌تان بمانید و آن‌گاه برای تقسیم ظرف حلوایی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوا می‌خوراندند تا اینکه به من رسیدند؛ من کودک بودم، آن حضرت قدری حلوا به من خوراندند، سپس فرمودند باز هم بدهم؟ عرض کردم آری آن حضرت به خاطر خردسال بودنم باز هم مقداری به من خوراندند و بدین حال بودند تا آنکه به همگان حلوا خوراندند.^{۲۷}

شرفی نقل می‌کند:

در وقفنامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته آمده است که فرمود: آنچه از من بجا مانده آن را گردو بخرید و در مسجد نگه‌داری نمایید تا آنگاه که کودکانی همراه با والدیشان به مسجد می‌آیند، به آنها هدیه دهید، تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منیر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند.^{۲۸}

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود. شخصی می‌گوید:

در کوچکی همیشه سعی می‌کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت نمازت درست نیست و سپس با سخنان نیشدار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می‌خواستم از او بیرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی‌داد و پیوسته می‌گفت نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود.^{۲۹}

این در حالی است که سیره معصومان علیهم‌السلام کاملاً با این شیوه برخورد مخالف است. جابر بن عبدالله می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام در مورد حضور بچه‌ها در نماز جماعت پرسیدم. امام علیه‌السلام فرمودند: «بچه‌ها را در صف آخر در کنار هم قرار ندهید، بلکه آنان را در بین صف‌ها جدا جدا بنشانید (و با ایستادن بزرگ‌ترها در میانشان جدایی بیفکنید)». ^{۳۰} شاید یکی از علت‌های آن این باشد که کودکان احساس بی‌توجهی و بی‌احترامی نکنند و با این شیوه، هم احترام کودکان را حفظ کرده‌ایم و به آنان شخصیت داده‌ایم و هم انگیزه حضور آنان در مسجد و نماز جماعت بیشتر شده، و در عین حال به نماز جماعت نیز نظم خاصی بخشیده‌ایم. البته مختصر برگزار کردن نماز جماعت نیز از جمله سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام می‌باشد، که در جذب و تشویق کودکان به نماز جماعت نقش اساسی دارد. بنابراین، چگونگی برخورد با کودکان و حتی نوجوانان و جوانان نیز باید توأم با محبت، احترام و تشویق باشد.

توجه به مسائل عبادی توسط والدین و مربیان و مشاهده عینی کودک

اسلام به مشاهده و تجربه اهمیت فراوانی می‌دهد؛ زیرا «مشاهده، تجربه، تفکر و تعلیم، وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهد». ^{۳۱} قرآن کریم به سیر در طبیعت و

مشاهده نعمت‌های الهی برای تفکر در آنها بسیار تشویق می‌کند؛ آیات زیادی در این باره در قرآن کریم آمده است.^{۳۲}

حال اگر عبادت، به ویژه اقامه نماز در معرض دید و مشاهده کودک انجام گیرد، اثر تربیتی و سازنده‌ای را به دنبال دارد. افزون بر تأثیر روحی و روانی، موجب تشویق و ترغیب کودک به یادگیری و انجام آن عمل عبادی نیز می‌شود. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امام علی علیه السلام در خانه خود اتاق متوسطی را به نماز اختصاص داده بود و در آن اتاق عبادت و راز و نیاز می‌کرد. هر شب که طفلی به خواب نمی‌رفت، امام او را به آن اتاق می‌برد و نماز می‌خواند.»^{۳۳}

کودکان اولین و بهترین درس دین‌داری و ارتباط معنوی با خدا را در محیط خانه از طریق مشاهده عملکرد والدین به ارث می‌برند. در این زمینه مروجی طبسی می‌نویسد:

وقتی که کودکان و نوجوانان مشاهده می‌کنند که پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی حساسیت و دقت نظر دارند و به عبادات اهمیت فراوان نشان می‌دهند، و در اوقات نماز با اشتیاق به سوی عبادت می‌شتابند و در مناسبت‌های مذهبی و مراسم عبادی شرکت فعال دارند، خودبه‌خود به این قبیل امور احساس علاقه و نشاط می‌کنند و مجذوب حالات ملکوتی دعا و مناجات می‌شوند.^{۳۴}

بر این اساس، اگر در محیط خانه و مدرسه، تکریم به ارزش‌های دینی جنبه عملی پیدا کند، زمینه گرایش به اعمال عبادی در کودکان به صورت آگاهانه شکل می‌گیرد. حضور معلمان در نماز جماعت مدرسه و اقامه اعمال عبادی، مخصوصاً نماز توسط والدین در منزل، از جمله عوامل ایجاد انگیزه در گرایش کودکان و نوجوانان به اعمال عبادی است. در واقع، کودک درس دین‌داری به طور عام و عبادت به ویژه نماز به طور خاص را با مشاهده اعمال و رفتار دیگران، مخصوصاً والدین به ارث می‌برد. وقتی کودک می‌بیند پدر و مادر به امور عبادی حساسیت نشان می‌دهند و در اوقات نماز، با اشتیاق به سوی عبادت می‌شتابند، خودبه‌خود در این مسیر قرار می‌گیرد و بدان علاقه‌مند می‌شود.

شیر دادن به کودک با وضو

از جمله اقدامات تربیتی برای زمینه‌سازی و آماده‌سازی کودک برای گرایش به معنویت و عبادت، به ویژه نماز، شیر دادن به کودک در حال داشتن وضو است. اثر تربیتی آن این است که: «وضو به عنوان مقدمه نماز، نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی‌ها می‌شود،

بلکه تطهیر روح را نیز دربرمی‌گیرد. این طهارت جسم و روح که با وضو حاصل می‌شود، تأثیر روانی در روحیه مادر و کودک دارد. اگر مادر هنگام شیردادن با وضو باشد، باعث استراحت و آذاسازی روح کودک و رابطه معنوی او با خدا می‌شود.^{۳۵}

از مادر شیخ مرتضی انصاری پرسیدند:

فرزندت چگونه به درجات عالی تقوا و عبادت رسیده؟ پاسخ داد: من در انتظار آن بودم که فرزندم ترقی بیشتری داشته باشند؛ زیرا در هنگام شیرخوارگی اش به او شیر نمی‌دادم، مگر اینکه با وضو بودم؛ حتی در شب‌های سرد زمستان هم بدون وضو او را شیر ندادم.^{۳۶}

در مورد آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری نیز نقل شده است:

از مادرش پرسیدند به داشتن چنین فرزندی دلخوشی؟ گفت: نه! گفتند: چرا؟ گفت: در مدت دو سال من برای یک‌بار هم او را بدون وضو و طهارت شیر ندادم و در آغوش نگرفتم. آرزویم این بود که او همچون جعفر صادق علیه السلام شود، ولی جعفر شوشتری شد.^{۳۷}

بنابراین، این‌گونه اقدامات، نوعی زمینه‌سازی و درونی‌کردن ریشه‌های عبادی در کودکان است.

شیر دادن به کودک در حال نماز

شیر مادر از جمله نیازهای اساسی کودک است و هیچ چیز حتی اعمال عبادی، نباید مانع رسیدن کودک به این نیاز طبیعی‌اش شود. با توجه به اصل زمینه‌سازی و توجه خاص معصومان علیهم‌السلام به کودک، بهتر است در اینجا به یک بحث فقهی که میان فقیهان نیز مطرح است پرداخته شود، و آن بحث شیر دادن به کودک شیرخوار در حال نماز است.

در فتاوی فقیهان آمده است: «اگر بچه گریه کند، مادرش می‌تواند در حال نماز او را در آغوش گرفته و شیر بدهد».^{۳۸} برای تأیید این مطلب به دو روایت اشاره می‌شود؛ عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام درباره زنی که در حال نماز بچه‌اش گریه می‌کند، پرسید: آیا می‌تواند به او شیر بدهد؟ امام در جواب فرمودند: «زنی که در حال نماز است می‌تواند کودک خود را، در حالی که تشنه می‌خواند، شیر بدهد»؛^{۳۹} علی بن جعفر، برادر امام موسی بن جعفر علیه السلام، می‌گوید: از آن حضرت درباره زنی که به نماز ایستاده و فرزند او در کنارش گریه می‌کند پرسیدم آیا جایز است در حالی که نشسته کودک را در بغل بگیرد و به دامن خود بنشانند و او را آرام کند و شیر بدهد؟ امام فرمود: اشکالی ندارد.^{۴۰}

چه‌بسا این عمل در روح و روان کودک تأثیر مثبت بگذارد و زمینه اولیه انس کودک را به نماز و اعمال عبادی فراهم سازد؛ زیرا بهترین غذا، در بالاترین حالت روحانی و معنوی به کودک تزریق می‌شود.

برای زمینه‌سازی و علاقه‌مند کردن کودکان نسبت به عمل عبادی «روزه» نیز موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) بیان فواید و فضیلت روزه و ماه رمضان

آگاهی از هر چیزی، به ویژه اعمال عبادی، زمینه‌ساز علاقه‌مندی به انجام‌دادن آن عمل می‌شود. معصومان علیهم‌السلام برای ایجاد آمادگی در مسلمانان، قبل از فرا رسیدن ماه رمضان، به بیان اهمیت این ماه و فواید روزه‌داری می‌پرداختند با توصیه‌های لازم، مردم را برای انجام این عمل عبادی آماده می‌کردند. در روایتی امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سه روز مانده به ماه مبارک رمضان به بلال فرمود مردم را جمع کن، وقتی مردم جمع شدند، حضرت بالای منبر فرمود:

ای مردم! این ماهی است که خداوند آن را به شما اختصاص داده است و سرور همه ماه‌ها است؛ شبی در آنکه از هزار ماه بهتر است؛ در این ماه درهای آتش بسته و درهای بهشت باز است؛ کسی که این ماه را درک کند و آمرزیده نشود، از رحمت خدا دور باد.^{۴۱}

در روایتی مسمعی نقل می‌کند:

امام صادق علیه‌السلام قبل از حلول ماه مبارک رمضان، درباره این ماه و فضائل آن و اهمیت دادن به ماه رمضان با فرزندان خود چنین وصیت و گفت‌وگو می‌کرد: پس با نفس خویش بستیزید؛ زیرا در این ماه رزق و روزی تقسیم می‌شود، اجل و لحظات مرگ هر کس معین می‌شود؛ همچنین در این ماه، میهمانان خدا (زائران خانه) را که بر او وارد می‌شوند، می‌نویسند و در این ماه شبی هست که عمل در آن شب، از عمل هزار ماه برتر است.

برای ایجاد آمادگی در کودکان، همچنین می‌توان با زبانی ساده و کودکانه به بیان فضیلت و ارزش روزه و جایگاه روزه‌دار در نزد خداوند و نیز فواید و ثوابی که برای آن مترتب است، پرداخت.

باهر در این زمینه پیشنهاد می‌کند:

معلم نیز باید از سال‌های نخست دبستان به طور ساده درباره ماه رمضان و روزه مطالبی برای کودکان بیان کند. در سال‌های بعد، این آموزش با گستردگی بیشتری انجام می‌شود و لازم است معلم در تدریس آن علاوه بر معرفی روزه به عنوان یکی از عبادت‌های بزرگ اسلامی، مختصری از فواید و برخی از آداب آن را به گونه‌ای ساده و جذاب برای دانش‌آموزان بیان کند.^{۴۲}

ب) بیدار کردن کودک در سحر و گرفتن روزه به اندازه توان

برای عادت دادن کودک به روزه‌داری، بهتر است قبل از رسیدن کودک به مرحله تکلیف، به تدریج با روزه آشنا، و زمینه انجام آن را برای زمان تکلیف مهیا شود. برای این کار، سفارش به زود خوابیدن، بیدار کردن کودکان برای خوردن سحری و تشویق آنان به گرفتن روزه تا هر زمانی که طاقت آن را دارند و همچنین اهدای جوایز در پایان ماه رمضان، از جمله راه‌کارهایی است که می‌توان برای ایجاد آمادگی در کودکان انجام داد. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما کودکان خود را در سحرگاهان بیدار می‌کنیم تا روزه بگیرند؛ اما در طول روز هر وقت که گرسنگی و تشنگی بر آنان غلبه کرد (و خواستند) می‌توانند افطار نمایند».^{۴۳}

امینی می‌نویسد:

خوب است کودکانی را که به سن تمیز رسیده‌اند، برای مراسم سحری بیدار ساخت تا به جای صبحانه سحری بخورند و با این مراسم انس بگیرند. وقتی بچه توانایی روزه گرفتن پیدا کرد، لازم است او را تشویق کنند که گاه‌گاه روزه بگیرند و اگر احیاناً بی‌تاب شد، می‌توانند در وسط روز به او آب یا غذای مختصری بدهند. به تدریج تعداد روزه‌هایش را زیاد کنند. البته به مقدار توانایی نه زیادتر. در آخر ماه رمضان هم می‌توانند به عنوان عیدی و جایزه چیزی به او بدهند. در طول روز هم باید از او مراقبت کنند، مبادا مخفیانه روزه‌اش را افطار نماید.^{۴۴}

البته باید توانایی کودک را در نظر داشت. حتی اگر کودک به سن تکلیف رسیده باشد، ولی توان گرفتن روزه را نداشته باشد، باید برای او تدابیر و محمل شرعی در نظر بگیریم. در این‌باره فرزند امام علیه السلام نقل می‌کند:

وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف (۹ سالگی) رسید، امام فرمودند: امسال دیگر باید روزه بگیری! اتفاقاً، ماه رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کولر، کمبود آب و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روزه اول ماه مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب، پس از افطار گفت: من فردا دیگر نمی‌توانم روزه بگیرم. آقا همان شب، ترتیب مسافرت او را به تهران دادند. یعنی به مادرم که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه‌ها را بردارید و مدتی را به تهران، منزل فلانی - یکی از بستگان - باشید» بعدها به من گفتند: نخوایم در نظر او، قیح روزه‌خواری از بین برود!^{۴۵}

از آنجایی که از جمله فواید روزه و روزه‌داری تقویت اراده است، کودک نیز با تمرین به تدریج می‌تواند توانایی کافی برای گرفتن روزه کامل را به دست آورد. برای مثال، کودک را

تشویق کنیم تا برخی از روزها را تا ظهر و برخی از روزها را از ظهر تا اذان مغرب، چیزی نخورد تا به تدریج به گرسنگی و تشنگی عادت کند. هر چه توانایی کودک در تحمل گرسنگی و تشنگی بیشتر می‌شود، وی می‌تواند مدت بیشتری را روزه بگیرد؛ تا اینکه پس از مدتی با تقویت اراده، می‌تواند بدان عادت کند و روزه را کامل بگیرد. البته به اعتقاد داوودی:

در آموزش روزه نباید انتظار داشت کودک با دو یا چند روز روزه‌داری، به این عمل عادت کند؛ بلکه ایجاد عادت، فرآیندی طولانی است؛ از این رو، امام شروع این آموزش را نه سالگی معین کرده است که شش سال تا سن بلوغ فاصله دارد. به علاوه، در آموزش روزه باید توانایی جسمانی کودک را در نظر گرفت و متناسب با آن از کودک انتظار روزه‌داری داشت...؛ به تدریج که توانایی کودکان بیشتر می‌شود، مدت بیشتری را روزه می‌گیرند، و این فرایند ادامه می‌یابد تا جایی که بعد از چند سال به راحتی می‌توانند تمام روز را روزه بگیرند.^{۴۶}

ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی در حد درک کودکان

عده‌ای معتقدند گاهی والدین با اینکه با اهتمام کامل به تکالیف و وظایف عبادی می‌پردازند، در عین حال مواردی یافت می‌شود که فرزندان این‌گونه خانواده‌ها نیز در انجام تکالیف دینی و عبادی، دچار تسامح و تساهل می‌شوند. در اینجا این پرسش به ذهن می‌رسد که علت آن چیست؟

شاید بتوان در جواب گفت کودک در مرحله اول زندگی، فقط شکل ظاهری عبادت را بر اثر تقلید از والدین می‌آموزد؛ وقتی این دوره را پشت سر می‌گذارد، پرسش‌هایی در این زمینه به ذهن او می‌رسد؛ پرسش‌هایی مانند اینکه فلسفه و هدف این اعمال و عبادت چیست؟ چرا باید نماز بخوانیم؟ چرا باید به این شیوه نماز بخوانیم؟ فلسفه روزه چیست؟ و پرسش‌های دیگری که به دنبال پاسخ آنهاست. حال اگر نتوانیم پاسخ صحیح و درستی به سؤال‌های او بدهیم، ممکن است در کودک نسبت به آن اعمال حالت بی‌رغبتی حاصل شود و چه بسا به تدریج اصل عمل را کنار بگذارد.

به جرئت می‌توان گفت یکی از علل ترک یا استخفاف نماز، بی‌اطلاعی کودکان، نوجوانان و جوانان از فلسفه عبادات است؛ اما اگر انجام اعمال عبادی در دوره اول و دوم کودکی بر اساس شناخت صورت گیرد، و با ایجاد بصیرت دینی، رفتار از حالت تقلیدی به حالت نگرش همراه با آگاهی عمیق تبدیل شود، کودک هرگز آن عمل را در مراحل بعدی

ترک نخواهد کرد. برای ایجاد انگیزه، افزون بر فراگیری اعمال عبادی، کودک باید بداند که فلسفه این اعمال چیست و چه عاملی موجب می‌شود که مسلمانان هر روز در پنج وعده بر درگاه احدیت سجده، و با معبود خود راز و نیاز می‌کنند و در سال، یک ماه روزه می‌گیرند. بنابراین، آگاهی از فلسفه، آثار و فواید، آداب و شرایط اعمال، یکی از عوامل مهم در ترغیب و تشویق کودکان به اعمال عبادی است. البته عامل دیگری که نقش بسزایی در سهل‌انگاری کودکان نسبت به اعمال و تکالیف دینی دارد، عدم تقید و اهتمام خود والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی است.

پس ضروری است ضمن اینکه تکالیف عبادی را به طور ساده و با زبان کودکان به کودک انتقال دهیم، متناسب با رشد فکری و ظرفیت درک متربی، فلسفه اعمال و تعلیمات عبادی را نیز برای او بیان کنیم تا بر اساس شناخت و انس، به اعمال عبادی روی آورد. برای رسیدن به این مقصود، باید با آموزش‌های ساده، زمینه رشد معارف دینی را در کودکان متبلور سازیم. به همین علت، می‌توان اصل «آگاهی‌بخشی» و «بصیرت‌دهی» نسبت به فلسفه و آثار عبادات را به مثابه یک اصل از اصول اساسی در تعلیم و تربیت دینی در نظر گرفت.

محمد رضا باهنر در این زمینه می‌نویسد:

جدای از فراگیری اعمال ظاهری نماز، کودک باید بداند که در ورای این اعمال، چه اعتقاد و احساسی نهفته است و چه چیزی موجب می‌شود که مسلمانان هر روز پنج‌بار به سوی کعبه حرکاتی را انجام دهند که ممکن است در نظر او بی‌معنی جلوه کند. این مقصود را باید با آموزش‌های ساده تأمین کرد. در این زمینه، مناسب است درباره مفهوم تشکر و سپاس‌گزاری و کاربرد این کلمه از دانش‌آموزان سؤال شود که مثلاً از چه کسی باید تشکر کرد و آیا شما تا به حال از کسی تشکر کرده‌اید؟ تا فراگیران تجربه‌های خود را بازگو کنند و علل این سپاس‌گزاری‌ها را بیان فرمایند.^{۴۷}

منابع اسلامی مملو از آیات و روایاتی است که از انسان‌ها می‌خواهد تا بر اساس بصیرت و آگاهی عملی را بپذیرند و انجام دهند.^{۴۸} متخصصان علوم تربیتی در این زمینه معتقدند:

انباشتن ذهن کودکان از مفاهیم و تأکید صرف بر مهارت‌هایی که تنها به درد امتحان می‌خورد و آنها را به هنگام ارزشیابی به ظاهر موفق جلوه می‌دهد، مدّ نظر نبوده، در عوض ادراک مفاهیم دینی به عنوان مقدمه‌ای برای رشد عاطفی و تغییر نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به آنها و انس با این مفاهیم مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به «عمل صحیح» به عنوان حاصل تبعی «نگرش‌های صحیح» تأکید شده است.^{۴۹}

امروزه تقریباً تمام آموزش‌ها در آموزش نظری خلاصه می‌شود. در تعلیم و تربیت نیز معمولاً عمومی‌ترین هدف‌های آموزشی، کسب دانش و اطلاعات است و حتی ارزشیابی نیز بر همین اساس صورت می‌گیرد؛ در حالی که «دانستن» و «انجام دادن» دو مقوله‌ای است که اولی بدون دومی بی‌فایده است. حتی متأسفانه در معارف دینی نیز شرط دین‌داری در داشتن اطلاعات و دانش دینی منحصر شده است. عبدالعظیم کریمی می‌گوید:

امروزه بلای بزرگی که دامنگیر تربیت دینی شده، مربوط به آموزش‌های نظری دین‌داری می‌شود. در نظام آموزش و پرورش ایران معرفت دینی و اطلاعات دینی کاملاً بر هم منطبق شده‌اند. در حقیقت چنین تصور می‌شود که شرط قطعی دین‌دار بودن و درک دینی، داشتن تراکم اطلاعات و اندوخته‌های حفظی و صوری دانش دینی است.^{۹۰}

اما واقعیت این است که آنچه موجب حصول معرفت واقعی دینی می‌شود، تنها آموزش‌های نظری معارف دینی نیست؛ بلکه باید آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی و به تعبیر دیگر، ایجاد بصیرت معنوی و درونی‌سازی معارف دینی باشد، تا در نتیجه اعتقاد و علاقه قلبی به دین و تکالیف آن در وجود متربی نهادینه شود. حال اگر بر اساس اصل بصیرت‌دهی، احساسات مذهبی در کودک پرورش یابد و مورد تشویق قرار گیرد، او در مراحل بعدی یک فرد معتقد، متعبد و مؤمن خواهد بود. بنابراین، شرط دین‌داری تنها تراکم اطلاعات دینی نیست؛ بلکه این اولین مرحله برای اُنس دینی است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت:

هدف از فرآیند آموزش، تنها انتقال دانش دینی نیست؛ بلکه باید مهارت‌های سه‌گانه گرایش به معنویت (معنویت‌خواهی)، کسب معنویت (معنویت‌یابی) و تقویت معنویت (معنویت‌افزایی) با بهره‌گیری از منابع علمی، روان‌شناختی و دینی آموزش داده شود.^{۹۱}

تربیت دینی به مفهوم عام و تربیت عبادی به طور خاص، حاصل اقدامات برنامه‌ریزی‌شده‌ای است که با هدف ارتقای سطح دانش دینی و بینش معنوی دانش‌آموزان اجرا می‌شود. هدف در برنامه تربیت عبادی، صرفاً حفظ اذکار و اعمال عبادی نیست؛ بلکه مراد تربیت انسانی دارای بینش الهی و معنوی است. برای تحقق این هدف، ضرورت دارد از دوران خردسالی تکالیف و وظایف عبادی را به کودک تعلیم داد و از این طریق، قلب کودک را با خدا ارتباط داد. برای ایجاد بینش و بصیرت معنوی و عبادی، برنامه‌درسی و آموزشی نیز باید به سمتی پیش رود که افزون بر پای‌بندی دانش‌آموزان به ارزش‌های

عبادی، این امر به نحوه مطلوبی تحقق یابد. پر بار کردن کتب درسی در زمینه مسائل عبادی مانند زمینه‌سازی و تحریک عواطف کودکان با بیان فلسفه و فواید اعمال و تکالیف عبادی، هنر برقراری ارتباط با خدا، شیوه راز و نیاز از جمله اقدامات است.

مسئولیت و محدوده زمانی والدین در تعلیم و تربیت مسائل دینی و عبادی کودکان

بعد از بیان اصل ضرورت آموزش‌های دینی و عبادی به کودکان، این پرسش مطرح است که مسئولیت این امر خطیر به عهده کیست؟ بسیاری از خانواده‌ها، آموزش‌های دینی را تنها وظیفه مدرسه می‌دانند؛ خانواده‌هایی که چنین طرز تفکری دارند، به تعلیم تکالیف شرعی و عبادی کودکان خود توجهی ندارند و به همان تعلیماتی که از طرف معلم داده می‌شود، بسنده می‌کنند.

در جواب این پرسش باید گفت، از آنجا که خانه به منزله اولین مدرسه و اعضای خانواده به مثابه اولین مربیان تربیت کودک می‌باشند، از این‌رو، این مسئولیت خطیر، در درجه اول مستقیماً بر عهده والدین است؛ زیرا بر اساس روایات، آنان نسبت به فرزندان خویش مسئول هستند. مرحوم فلسفی می‌نویسد: «اول معلمی که درس زندگی به کودک می‌آموزد و در دل پاک او نقش‌های خوب و بد ترسیم می‌کند، پدر و مادر است».^{۵۲}

قرآن کریم در زمینه مسئولیت والدین در تربیت عبادی اهل خانواده می‌فرماید: «وَ أَمُرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^{۵۳} همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقْوُذَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ».^{۵۴} در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که این آیه نازل شد، مردم گفتند: یا رسول‌الله چگونه ما خودمان و اهل و عیالمان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ حضرت فرمود:

خودتان کارهای خیر انجام بدهید؛ خانواده خود را به کارهای خوب تذکر بدهید؛ آنها را بر اطاعت و عبادت خداوند تأدیب و تربیت نمایید. سپس امام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِنَبِيِّهِ ﷺ وَ أَمُرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! (طه: ۱۳۲) وَ قَالَ وَ أذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ (مریم: ۵۴-۵۵) «و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود».^{۵۵}

ابوسعید خدری می‌گوید وقتی آیه ۱۳۲ سوره طه نازل شد، رسول گرامی اسلام تا نُه ماه وقت نماز، به درب خانه فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام می‌آمد و می‌فرمود: «الصلاة یرحمکم الله».^{۵۶}

امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید:

حق فرزندت بر عهده تو این است که بدانی او از توست و در نیک و بد زندگی و خیر و شرش، وابسته به تو است و آگاه باشی که در حوزه سرپرستی وی، مسئول ادب و تربیت سالم او می‌باشی و وظیفه داری که او را به پروردگارش راهنمایی کنی و در اطاعت از فرمان‌های الهی یاری‌اش نمایی.^{۵۷}

آموزش تعالیم دینی کودکان به اندازه‌ای مورد توجه پیشوای گرامی اسلام علیه السلام بوده است که این مسئولیت را به طور مستقیم متوجه والدین می‌داند و با صراحت از پدران و مادرانی که به تربیت دینی کودکان خود بی‌توجه هستند، دوری جسته است. نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از کودکان نظر افکند و فرمود:

وای به فرزندان آخر زمان، از (بی‌توجهی و) روش ناپسند پدرانشان! عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ‌یک از واجبات احکام دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و هرگاه فرزندانشان در صدد تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می‌دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند (و تنها به این دل‌خوشند که فرزندانشان بهره‌ناچیزی از دنیا به دست آورند) من از این قبیل مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.^{۵۸}

بر اساس فرمایش نبی مکرم صلی الله علیه و آله، یکی از وظایف والدین، آموزش احکام، واجبات و فرایض دینی فرزندان بیان شده است. متأسفانه در عصر حاضر با توجه به سیاست تساهل و تسامح، والدین اهتمام لازم به تعلیم آموزه‌های دینی به فرزندان خویش را ندارند؛ در حالی که مشاهده می‌شود بعضی از خانواده‌ها برای فراگیری کودکان خویش به زبان دوم و یا یادگیری رایانه و امثال این‌ها، وقت و هزینه زیادی صرف می‌کنند؛ ولی نسبت به تقویت بنیه معارف دینی و معنوی آنان، که سعادت آنان به این حوزه معرفتی و معنوی بستگی دارد، کم توجه یا بی‌تفاوت هستند! در این باره، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: «هیچ کس خداوند را ملاقات نمی‌کند، با گناهی بزرگ‌تر از جهالت زن و فرزندانش».^{۵۹}

درباره در اهمیت تعلیم مسائل شرعی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اگر جوانی از شیعیان را ببینم که مسائل و احکام مذهبی را نمی‌آموزد و از این وظیفه تخلف می‌کند، او را مجازات

خواهم کرد!»^{۶۰} از سوی دیگر، در منابع روایی والدین نیز به تعلیم و تربیت دینی کودکان تشویق می‌شوند. چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «هر کسی کودکی را تربیت کند تا اینکه «لا اله الا الله» بگوید، خداوند (روز قیامت) از او محاسبه نخواهد کرد».^{۶۱}

نکته مهم این است که آموزش فقه و آموزه‌های دینی و احکام عبادی به کودکان و نوجوانان، باید پیش از زمانی باشد که مکتب‌های انحرافی، فکر و ذهن آنان را با افکار و عقاید نادرست پر می‌کنند. چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به والدین می‌فرماید: «به فرزندان خود، از علم ما آنچه را که خدا به وسیله آن به آنها نفع می‌رساند، آموزش دهید، تا مخالفان با نظرات خود، بر آنها فائق نیایند».^{۶۲} به همین علت، حضرت خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

فرزندم! در راه ادب‌آموزی به تو و تربیت درست از همه فرصت‌ها بهره گرفتم، پیش از آنکه دل و قلبت سخت گردد و عقل و ذهن تو (به وسیله مکتب‌ها و فرهنگ‌های فاسد) به اشتغال در آید... (در این راه) نخست آموزش تو را با کتاب خدا و تفسیر آن و (با آموزش) شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن آغاز کردم.^{۶۳}

همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه مخالفین بر شما سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند».^{۶۴}

در حقیقت، این دو روایت، به اولیا و مربیان هشدار می‌دهد که اگر در مورد تربیت صحیح کودکان کوتاهی ورزید و آنان را با معارف الاهی و فرهنگ غنی اهل‌بیت علیهم السلام سیراب ننمایید، گرفتار فرهنگ‌های شیطانی می‌شوند و چه بسا همین سهل‌انگاری، یکی از عوامل آسیب‌زا در دین‌گرایی آنان شود.

بنابراین، تربیت عبادی و آشنایی با مسائل و فرایض دینی، جزو آموزش‌های ضروری مسلمانان شناخته شده است، که این مسئولیت به طور مستقیم تا ۲۱ سال اول زندگی متوجه والدین است. آنان در این زمینه، نقش‌های مختلفی مانند: «تمهیدی، الگویی، تبلیغی، آموزشی، تشویقی، تقویتی، آسان‌سازی زمینه‌های انجام عبادت (نقش تسهیلی) تذکر و یادآوری، حمایتی و نیز نقش مراقبتی»^{۶۵} بر عهده دارند. از این‌رو، در منابع اسلامی به والدین توصیه شده است برخی از تعالیم دینی را قبل از هفت سالگی برای کودکان بیان کنند، تا ضمن فراگیری تکالیف دینی، زمینه‌های رشد معنوی و عبادی در آنان ایجاد و تقویت شود. امتیاز تربیت خانوادگی این است که دارای نوعی دوام و استمرار می‌باشد.

به طور خلاصه، شاید بتوان گفت از مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی کودکان به تکالیف عبادی، افزون بر آگاهی نداشتن از فلسفه و آثار عبادات، عدم زمینه‌سازی و بی‌توجهی و یا عدم تقید و اهتمام خود والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی است؛ اما وظیفه نهاد آموزش و پرورش، بعد از ورود دانش‌آموز به مدرسه آغاز می‌شود؛ بدیهی است که تربیت فرآیندی یک‌سویه نیست و مدرسه به تنهایی قادر به تربیت کودک نیست. در حقیقت، تربیت صحیح و همه‌جانبه در قالب برنامه‌ریزی علمی و عملی و با همکاری و همراهی اولیا و مربیان عزیز و هماهنگی مبانی، اصول و شیوه‌های تربیتی میان خانه و مدرسه حاصل می‌شود.

بعد از این دو نهاد، تمامی نهادهای تعلیمی و پرورشی مانند حوزه‌های علمیه، وزارت ارشاد اسلامی، صدا و سیما و کانون‌های فرهنگی، به ویژه مساجد، نقش بسیار مهمی در گسترش و تقویت فرهنگ عبادی در بین کودکان بر عهده دارند.

نتیجه‌گیری

با بررسی گروهی از روایات تربیتی و بنابر عقیده متخصصان تعلیم و تربیت مسلمان، در می‌یابیم که دین اسلام به تربیت دینی فرزندان، به ویژه تربیت عبادی، تأکید زیادی کرده است، تا زمینه دستیابی کودکان به مراحل عالی کمال فراهم شود. برای تحقق این هدف و علاقه‌مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به عمل آورد. به این ترتیب، با برنامه‌ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد. برای موفقیت در امر تربیت عبادی ضروری است به نکات ذیل، توجه شود:

- زمزمه حیات بخش اذان و اقامه در گوش چپ و راست نوزاد به منزله نخستین نغمه معنوی در مسیر زندگی سعادت بخش؛
- ایجاد علاقه در کودک به ارتباط قلبی با خدا؛
- اجرای دستورالعمل آموزشی که در روایت امام باقر^{علیه السلام} آمده است؛ از ذکر شهادتین تا کیفیت صحیح وضو و اقامه نماز؛
- حضور کودکان در اماکن مذهبی مانند مسجد و خواندن نماز جماعت؛

- استفاده از شیوه‌های تشویقی و محبت در آموزش‌های تکالیف عبادی، بدون امر و نهی؛
- ایجاد فضاسازی معنوی در منزل و مدرسه به وسیله توجه به ارزش‌های دینی توسط والدین و مربیان، و جدی بودن والدین در ارزش‌های دینی کودکان، به ویژه نماز اول وقت؛
- آشنا کردن دانش‌آموزان با عبادت‌های واجب و مستحب، به خصوص نمازهای یومیه و روزه؛
- آشنا کردن دانش‌آموزان با احکام و شرایط عبادات مانند: مسایل مربوط به صحت و بطلان، اداء و قضا و شرایط مربوط به هر عمل عبادی؛
- ارائه و آموزش تکالیف عبادی به کودکان به صورت ملموس و عینی و متناسب با توانایی آنان، با استفاده از روش‌های آموزشی ساده و بهره‌گیری از اشعار، داستان و متون آسان در برنامه‌های درسی و ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده عبادی در مراکز آموزشی؛
- ایجاد انس و گرایش قلبی در کودکان به انجام تکالیف عبادی از طریق توجه دادن آنان به نعمت‌ها و نیکی و بخشش خداوند به بندگان، و همچنین آموزش شیوه شکرگزاری مورد نظر خداوند سبحان؛
- ایجاد بصیرت و بینش دینی با بیان فلسفه، فواید و برخی از آثار اعمال و تکالیف عبادی در حدّ توان فکری کودکان، به صورت ملموس، عینی و منطقی.
- طبیعی است که همه این موارد مربوط به دوره کودکی نیست و این مسائل باید به تدریج و در مراحل مختلف سنی، در طول دوره تحصیلی آموزش داده شوند؛ اما در دوره ابتدایی باید تا حدّ ممکن، دانش‌آموزان را با کیفیت انجام برخی از عبادات به ویژه نماز و روزه آشنا کرد.

۱. محمد داوودی، تربیت دینی، ص ۲۶.
۲. همان، ص ۱۱۱.
۳. محمدعلی کریمی‌نیا، *الگوی‌های تربیت اجتماعی*، ص ۲۱۲.
۴. محمدرضا فضل‌الله، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه فرزندق اسدی، *تربیت اسلامی*، ش ۳، ص ۱۳۹.
۵. ابراهیم امینی، *تربیت*، ص ۲۵۲ - ۲۵۱.
۶. علاءالدین حسام‌الدین هندی، *کنز العمال*، ج ۱۶، ص ۴۴۱، ح ۴۵۳۳۰.
۷. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۶، ص ۲۸۸.
۸. محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۳، ح ۱، ص ۴۰۹.
۹. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۱۹.
۱۰. سیدروح‌الله خمینی، *امام در سنگر نماز*، دفتر ۷، ص ۱۰۴.
۱۱. محمدعلی سادات، *رفتار والدین با فرزندان*، ص ۸۰.
۱۲. محمدعلی کریمی‌نیا، *الگوهای تربیت اجتماعی*، ص ۴۴.
۱۳. علی‌نقی فقیهی، *شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز*، ص ۳۰.
۱۴. امام خمینی علیه السلام، *رسالة توضیح المسائل*، مسئله ۱۳۸۹.
۱۵. گلپایگانی، *مجمع المسائل*، ج ۱، ص ۵۲۷، م ۵۱.
۱۶. محمدتقی فلسفی، *کودک*، ج ۲، ص ۱۸۶.
۱۷. مرتضی مطهری، *گفتارهای معنوی*، ص ۱۰۰.
۱۸. علی‌همت بناری، *نگرشی به تعامل فقه و تربیت*، ص ۱۳۳.
۱۹. ابراهیم امینی، *تربیت*، ص ۲ - ۲۵۱.
۲۰. همان، ج ۴، ص ۱۹، ح ۴۳۹۷.
۲۱. محمدبن حسن حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۲۱، ص ۴۷۴، ح ۲۷۶۲۰.
۲۲. ابو منصور بن یوسف حلّی، *مختلف الشیعة*، ج ۳، ص ۴۸۸ - ۳۸۵.
۲۳. بقره: ۲۳۱؛ آل عمران: ۱۰۳؛ اعراف: ۶۹ و ۷۴؛ فاطر: ۳؛ لقمان: ۲۰.
۲۴. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۴، ح ۶.
۲۵. مرتضی مطهری، *گفتارهای معنوی*، ص ۱۰۰.
۲۶. ناصر باهنر، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، ص ۱۲۲.
۲۷. علی‌نقی فقیهی، *شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز*، ص ۵۹، نقل از: العیال، ج ۱، ص ۳۸۰.
۲۸. محمدرضا شرفی، *مراحل رشد و تحول انسان*، ص ۲۱۶.
۲۹. علی‌نقی فقیهی، *شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز*، ص ۸۱.
۳۰. محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۳، ح ۳، ص ۴۰۹.
۳۱. سیداحمد احمدی، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، ص ۸۱.
۳۲. یونس: ۱۰۱؛ عنکبوت: ۲۰؛ غاشیة: ۱۷.
۳۳. محمدبن حسن حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۵، ص ۲۹۵، ح ۳.

۳۴. محمدجواد مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۶۸.
۳۵. علی نقی فقیهی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، ص ۳۲.
۳۶. همان، ص ۸ و ۳۲.
۳۷. حسین انصاریان، دیار عاشقان، ص ۴۴۰.
۳۸. خانه کودک، احکام ما و کودکان، ص ۴۷.
۳۹. محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۷، باب ۲۴، ص ۲۸۰.
۴۰. همان، ص ۲۷۹، باب ۲۲.
۴۱. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۴، ص ۶۷.
۴۲. ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۶۸.
۴۳. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۹۵ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۹۵.
۴۴. ابراهیم امینی، تربیت، ص ۲۵۳.
۴۵. محمدعلی کریمی نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، ص ۲۰۸.
۴۶. محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۳۵.
۴۷. ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۶۳.
۴۸. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸).
۴۹. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، جزوه راهنمای برنامه‌تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، ص ۱۱.
۵۰. عبدالعظیم کریمی، تربیت آسیب‌زا، ص ۲۲.
۵۱. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، مهدیه کشانی، مقاله برنامه درسی برای دستیابی به تربیت دینی، ص ۱۲۶.
۵۲. محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۲۶۹.
۵۳. طه: ۱۳۲.
۵۴. تحریم: ۶.
۵۵. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۱، باب ۸ ح ۵.
۵۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۳.
۵۷. حسین انصاریان، دیار عاشقان، ج ۵، ص ۴۴۵.
۵۸. فرید، مرتضی فرید، الحدیث - روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۹۴.
۵۹. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۳، ص ۷۳.
۶۰. شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴، ص ۳۶۴.
۶۱. علاءالدین حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۸.
۶۲. محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷، ح ۲۷۶۳۴.
۶۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۶۴. محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷، و ۲۷۶۳۰.
۶۵. محسن ایمانی، کلاس اولی‌ها، ص ۹۷.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ج ۱، ۱۳۷۸.
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- احمدی، سیداحمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ج ۳، ۱۳۸۴.
- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، ج ۲، ۱۳۸۵.
- انصاریان، حسین، دیار عاشقان، تفسیر صحیفه سجادیه حضرت زین العابدین، تهران، پیام آزادی، ج ۵، ج ۱، ۱۳۷۲.
- همو، نظام خانواده در اسلام، تهران، ام ابیها، ج ۱، ۱۳۷۵.
- ایمانی، محسن، کلاس اولی ها، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ج ۵، ۱۳۸۶.
- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۹، ۱۳۸۷.
- بناری، علی همت، نگرشی به تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱، ۱۳۸۳.
- جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، مقاله، برنامه درسی برای دستیابی به تربیت دینی، نویسنده، مهدیه کشانی، قم، مؤسسه امام خمینی، ج ۱، ۱۳۸۸.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ۵، ۷، ۲۱، ۵، ج ۱۴۰۹.
- حسام الدین هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
- حلی، ابو منصورین یوسف، مختلف الشیعه، ج ۳، قم، جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۴۱۳.
- خانه کودک، احکام ما و کودکان، قم، الهادی، ج ۱، ۱۳۷۶.
- خمینی، سیدروح الله، امام در سنگر نماز، قم، ستاد اقامه نماز و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تیبان، دفتر ۷، ج ۱، ۱۳۷۴.
- خمینی، سیدروح الله، توضیح المسائل، قم، نشر روح، ج ۱، بی تا.
- داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۲، تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۱۳۸۳.
- دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، جزوه راهنمای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، مصوب هفتصد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵.
- سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، اولیا و مربیان، ج ۶، ۱۳۸۰.
- شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، ارشاد اسلامی، ج ۳، ۱۳۶۸.
- فرید، مرتضی، الحدیث - روایات تربیتی از مکتب اهل بیت، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- فضل الله، محمدرضا، مقاله درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان، ترجمه فرزندق اسدی، مجله تربیت اسلامی، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، تهران: تربیت اسلامی، ش ۳،

پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۳۹.

- فقیهی، علی نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهر تابان، چ ۱، ۱۳۸۴.
- فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر معارف اسلامی، چ ۱، ۱۴، ۱۳۴۴.
- فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، چ ۲، تهران، نشر معارف اسلامی، چ ۱۰، ۱۳۸۷.
- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۳ - ۴، قم، جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۳۴۹.
- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴، قم، دارالاسوه، چ ۲، ۱۴۱۶.
- کریمی نیا، محمدعلی، الگوی‌های تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، چ ۲، ۱۳۸۶.
- کریمی، عبد العظیم، تربیت آسیب‌زا، تهران، اولیا و مربیان، چ ۱، ۱۳۷۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۳ - ۴، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
- گلپایگانی، سیدمحمد رضا، مجمع المسائل، ج ۳ - ۲ - ۱، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ۱۶، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴.
- مروجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۵، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چ ۱۴، ۱۳۷۳.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۱، مصر، دارالمعارف، چ ۲، ۱۳۸۵.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ۱۲ - ۱۵، ۲۱، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۰۸.
- یزدی، سیدمحمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، قم، اسماعیلیان، چ ۵، ۱۳۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی